

باورهای مذهبی و راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان در دانشجویان دخترمعصومه اسلامی^{۱*}، ملیحه پورحسین^۲، زهرا بهفر^۳^۱ گروه روان‌شناسی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران^۲ کارشناسی مشاوره، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران^۳ کارشناس پژوهش، دانشگاه فرهنگیان (پردیس شهید هاشمی‌نژاد)، مشهد، ایران**چکیده**

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان و باورهای مذهبی بود. در یک مطالعه از نوع همبستگی ۱۷۰ شرکت‌کننده به روش نمونه‌گیری تصادفی از میان دانشجویان دختر دانشگاه دولتی بجنورد انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و باورهای مذهبی آلپورت پاسخ دادند. نتایج تحلیل‌های همبستگی نشان دادند که بین باز تمرکز مثبت و باورهای مذهبی رابطه معنی‌داری وجود نداشت و با این وجود، بین پذیرش، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، بازآزمایی، دیدگاه‌پذیری و باورهای مذهبی رابطه آماری منفی معنی‌دار مشاهده شد. بر اساس این نتایج می‌توان چنین استدلال کرد دارا بودن باورهای مذهب بیرونی آزمودنی‌ها در این پژوهش باعث شده است که بین دیدگاه‌پذیری و باورهای مذهبی رابطه معکوس برقرار شود؛ بدین معنی که شخص برخوردار از باورهای مذهبی بیرونی رخداد را فاجعه‌آمیز تلقی کرده و تحمل فشار ناشی از آن برایش مشکل است.

کلیدواژه‌ها: راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان؛ باورهای مذهبی**مقدمه**

افراد در مواجهه با شرایط جدید و تغییراتی که در زندگی آن‌ها رخ می‌دهد، با دامنه‌ای از چالش‌ها روبه‌رو می‌شوند که نحوه سازگاری آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ورود به دانشگاه با دامنه‌ای از منابع فشارزای تحصیلی، مالی، ارتباطی، اجتماعی، دوری از خانواده و غیره همراه است (ماتسوماتو و لبروکس، Lerocs & Matsomato، ۲۰۰۳) و دانشجویان در ارتباط با این شرایط ممکن است دچار ناکامی‌ها، تعارض‌ها، فشار و تنیدگی‌هایی شده و در قبال این عوامل فشارزا از راهبردهایی استفاده کنند که پژوهشگران آنها را تحت عنوان راهبردهای تنظیم شناختی هیجان معرفی می‌کنند. راهبردهای تنظیم شناختی هیجان به نحوه تفکر افراد بعد از تجربه رویدادهای فشارزا اشاره دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تنظیم هیجان‌ها به وسیله شناخت‌ها یا افکار، به طور اجتناب‌ناپذیری با زندگی انسان همراه بوده و به افراد برای حفظ کنترل روی هیجان‌اتشان پس از تجربه رویدادهای منفی فشارزا کمک می‌کند. برای نمونه، هنگام تجربه رویدادهای منفی زندگی فرد ممکن است گرایش به افکار خود سرزنشی داشته باشد، یا برعکس دیگران را سرزنش کنند. همچنین، ممکن است به وسیله نشخوار ذهنی، روی احساساتش تمرکز کند و یا موقعیت را به طور مثبت ارزیابی کند (گارنفسکی و کرایج، ۲۰۰۷).

هر چند هیجان‌ها مبنای زیستی دارند؛ اما، افراد قادرند بر شیوه‌هایی که این هیجان‌ها را ابراز می‌کنند اثر بگذارند. به عبارت دیگر، تنظیم هیجان را می‌توان به صورت فرآیندهایی دانست که از طریق آن، افراد می‌توانند بر اینکه چه هیجانی داشته باشند، چه وقت آن‌ها را داشته باشند و چگونه آن‌ها را تجربه و ابراز کنند، تأثیر بگذارند (گروس، ۱۹۹۸). به لحاظ اجتماعی، هیجان‌ها به وسیله جستجو و نزدیکی به منابع حمایت بین فردی و سایر منابع حمایت تنظیم می‌شوند؛ درحالی‌که، از لحاظ رفتاری، هیجان‌ها از طریق گستره‌ای از واکنش‌های رفتاری (کنار آمدن یا مقابله) تنظیم می‌شوند. جیغ زدن، فریادزدن، گریه کردن یا گوشه‌نشینی نمونه رفتارهایی هستند که برای مدیریت هیجان‌های برخاسته از عوامل فشارزا بروز می‌یابند. سرانجام، هیجان‌ها می‌توانند به وسیله گستره‌ای از فرآیندهای هیجانی ناهشیار، از قبیل فرآیندهای توجه انتخابی، تحریف حافظه، انکار یا فرافکنی یا فرآیندهای هیجانی هوشیار (کنار آمدن هوشیار) مانند، سرزنش خود، سرزنش دیگران،

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: eslami@ub.ac.ir

نشخوار کردن یا فاجعه انگاری مدیریت شوند (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۱). گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱، ۲۰۰۲)، نه راهبرد متفاوت تنظیم شناختی را شناسایی کردند که شامل خود سرزنشی، پذیرش، نشخوار ذهنی، باز تمرکز مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، باز ارزیابی مثبت، دیدگاه پذیرشی، فاجعه‌انگاری و ملامت دیگران هستند. این پژوهشگران راهبردهای تنظیم شناختی هیجان را بر حسب تکنیک‌های انطباقی و غیر انطباقی مقابله شناختی معرفی کردند. پنج بعد از این راهبردها، پاسخ‌های مقابله شناختی مثبت یا انطباقی (پذیرش، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، باز تمرکز مثبت، باز ارزیابی مثبت و دیدگاه پذیرشی) و دیگر ابعاد آن راهبردهای مقابله شناختی منفی یا غیر انطباقی هستند (به نقل از رادولف، فلت و هویت، ۲۰۰۷). به نظر می‌رسد عوامل مختلفی می‌تواند بر بروز هیجان و تنظیم آن تاثیر داشته باشد. یکی از مولفه‌هایی که می‌تواند بر شیوه‌های ابراز هیجان تاثیر بگذارد، درجه اعتقادات و باورهای مذهبی فرد است. به نظر کونینگ (۱۹۹۴) مذهب برای افراد، نقش سپر دفاعی در برابر عوامل مخرب، زبان آور و تنش‌زای محیطی را ایفا می‌کند. هافمن (۱۹۸۱) خدا را یک موضوع دلبستگی مطلق می‌داند که به هنگام نیاز در دسترس است؛ موضوعی که قادر است احساس ایمنی را در فرد به وجود آورد. شاید به همین علت باشد که افراد در شرایط تنش‌زا و بحرانی به مذهب رجوع می‌کنند و به سوی خدا می‌روند. انجمن روانشناسی آمریکا در دهه‌های اخیر به تاثیر نقش مذهب در زندگی و کاربرد آن در رویارویی با مشکلات و مسائل زندگی می‌پردازد (نقل از حسین‌چاری، ۱۳۹۰). پارگامنت نیز معتقد بود که افراد در خلأ و بدون منابع با رویدادهای زندگی روبه‌رو نمی‌شوند؛ بلکه، آنان به سیستم باورها و اعمالی (همچون نماز و دعا) تکیه می‌کنند که عواطف ناشی از موقعیت‌های دشوار را کاهش می‌دهد. روانشناسان معروفی از جمله جیمز (۱۹۸۵)، آلپورت (۱۹۵۰) و یونگ (۱۹۶۹) نیز به نقش و تاثیر مذهب بر زندگی افراد پرداخته‌اند و آن را مهم می‌دانند.

آلپورت (۱۹۶۶) جهت‌گیری دینی را به صورت اعتقادات مذهبی افراد در زندگی شخصی‌شان می‌داند و دو نوع جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) را از هم متمایز می‌کند. براساس نظریه آلپورت مذهب درونی، مذهب فراگیر و دارای اصول سازمان‌یافته و درونی شده است؛ درحالی‌که، مذهب بیرونی امری خارجی است و به عنوان ابزاری برای ارضای نیازهای فرد از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. منظور آلپورت از باورهای مذهبی درونی عبارت از یک تعهد انگیزشی فراگیر نه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف فردی؛ به عقیده وی تنها باورهای مذهبی درونی سلامت روانی را برای فرد به ارمغان می‌آورد (نقل از جلالی‌تهرانی، ۱۹۹۷). دینداری هنگام تجربه تنیدگی نقش یک میانجی را ایفا می‌کند و رابطه بین عوامل تنیدگی‌زا با سلامت روانی را دگرگون می‌سازد (فابریکاتور، Fabrecator، ۲۰۰۴).

باتوجه به این‌که بررسی مفهوم خداوند و باورهای مذهبی در دانشجویان و انواع برداشت‌های آنها از خداوند و ارتباط آن با شیوه‌های مقابله با رخدادهای روزمره موضوعی است که در گستره نظری می‌تواند به چگونگی ارتباط مذهب و تاثیرگذاری آن در نوع مقابله جوانان با رویدادهای روزمره کمک کند و از حیث عملی نیز با تشخیص این ارتباط می‌توان به ارتقای سطح مذهبی و باورهای مذهبی افراد کمک شایانی نمود و نیز باتوجه به بافت فرهنگی و مذهبی جامعه ایران و تناقض‌های موجود در زمینه نقش و اهمیت به کارگیری مذهب در مواجهه با مشکلات و نامالایمات، نقش باورهای مذهبی به عنوان عامل تاثیرگذار در تنظیم هیجان پر رنگ جلوه می‌کند. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان و باورهای مذهبی در بین دانشجویان بود.

روش

شرکت‌کنندگان

طرح پژوهش حاضر، توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری کلیه دانشجویان دختر دانشگاه بجنورد بود. از این جامعه به روش نمونه‌گیری تصادفی ۱۷۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار

پرسشنامه باورهای مذهبی آلپورت: این پرسشنامه دارای ۲۰ ماده است که باورهای مذهبی درونی و بیرونی را مورد سنجش قرار می‌دهد. از ۲۰ گزینه این پرسشنامه، ۱۱ گزینه آن جهت اندازه‌گیری مذهب بیرونی و ۹ گزینه آن به باورهای درونی اشاره دارد. این مقیاس را آلپورت در سال ۱۹۵۰ ساخته است. میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۰/۸۸ و از طریق دو نیمه کردن به روش گاتمن ۰/۹۴ بوده و برای آن آلفای کرونباخ ۰/۷۰ بدست آمده است.

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجانی (CERQ): پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ) یک پرسشنامه ۳۶ ماده‌ای است که توسط گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱، ۲۰۰۲) ساخته شد. این پرسشنامه به منظور شناسایی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان افراد (یا راهبردهای مقابله شناختی) پس از تجربه رویدادها و موقعیت‌های منفی استفاده می‌گردد. شامل ۹ خرده مقیاس از لحاظ مفهومی مجزا است که عبارتند از: خود- سرزنشی، نشخوار ذهنی، فاجعه انگاری، و ملامت دیگران. بقیه راهبردها انطباقی یا مثبت هستند که عبارتند از:

پذیرش، بازتمرکز مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی، بازاریابی مثبت و دیدگاه پذیری. ضریب آلفا برای خرده مقیاس‌های این پرسشنامه به وسیله گرانفسکی و همکاران (۲۰۰۲) در دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۸۱ گزارش شده است.

شیوه اجرا

پس از توضیح پژوهش، تاکید بر رازداری و کسب رضایت مبنی بر شرکت در پژوهش پرسشنامه‌های باورهای مذهبی آلپورت و تنظیم شناختی هیجانی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

نتایج

در مطالعه حاضر ۱۷۰ نفر در دامنه سنی ۲۴-۱۸ سال شرکت داشتند که از این تعداد ۳۷/۱ درصد علوم انسانی، ۲۰/۶ درصد مهندسی، ۱۹/۴ درصد هنر و ۲۲/۹ درصد علوم پایه بودند. در جدول ۱ یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش بر حسب میانگین و انحراف معیار گزارش شده است. با توجه به نتایج جدول ۱ بیشترین میانگین مربوط به تمرکز مجدد بر برنامه ریزی و کمترین میانگین مربوط به بازتمرکز مثبت بود. در ادامه به منظور بررسی پرسش‌های پژوهش از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد ضریب همبستگی بین متغیر راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان و باورهای مذهبی ۰/۲۲- است که در سطح ۰/۰۳ معنادار است. همچنین مقدار ضریب همبستگی بین متغیر پذیرش و باورهای مذهبی ۰/۱۶- به دست آمد که در سطح ۰/۰۳ معنی دار می باشد. افزون بر این، مقدار ضریب همبستگی بین متغیر تمرکز مجدد بر برنامه ریزی و باورهای مذهبی ۰/۲۲- بود که در سطح ۰/۰۴ معنی دار است. مقدار ضریب همبستگی بین متغیر باز تمرکز مثبت و باورهای مذهبی ۰/۰۸+ به دست آمد که معنادار نبود. همچنین ضریب همبستگی بین متغیر باز ارزیابی و باورهای مذهبی ۰/۲۱- گزارش شد که در سطح ۰/۰۴ معنی دار است. مقدار ضریب همبستگی بین دیدگاه پذیری و باورهای مذهبی ۰/۱۸- به دست آمد که در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

جدول ۱

میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
پذیرش	۱۱/۹	۲/۷۶
تمرکز مجدد بر برنامه ریزی	۱۳/۲۶	۳/۵۳
بازتمرکز مثبت	۱۱/۰۲	۳/۴۲
باز ارزیابی	۱۳/۰۵	۳/۴۹
دیدگاه پذیری	۱۱/۹۲	۲/۹۹
باورهای مذهبی	۵۲/۷۶	۸/۴۳

بحث

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان و باورهای مذهبی بود. بر اساس نتایج پژوهش بین راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان و باورهای مذهبی رابطه معکوس وجود دارد. این نتیجه تا حدودی با برخی پژوهش‌ها که رابطه بین مذهب و سازگاری روانی را به گونه معکوس ارزیابی کرده‌اند، همسو است. به عنوان مثال آلبرت ایس از یازده شیوه مذهبی که از طریق آن مشکلات روانی ایجاد و یا تشدید می‌شوند نام می‌برد. همچنین نتایج نشان داد بین باورهای مذهبی بیرونی و استفاده از راهبردهای انطباقی رابطه معکوس و بین باورهای مذهبی درونی و استفاده از راهبردهای انطباقی رابطه مستقیم وجود دارد. براساس نتایج پژوهش بین پذیرش و باورهای مذهبی رابطه معکوس وجود دارد. بین پذیرش رخداد و باورهای مذهبی رابطه معکوس و بین تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی و باورهای مذهبی رابطه معکوس وجود دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش برقی و علیپور (۱۳۸۸) همسو است، که نشان داد بین باورهای مذهبی درونی و سبک‌های اسنادی رابطه مستقیم وجود دارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات دیگر مانند بیکر و گرساچ (۱۹۸۲) و پارک و کوهن (سراج، ۱۳۸۱) همسو است. مذهب درونی تأثیر مثبت بر سلامت روان افراد و جهت‌گیری درونی دارد. همچنین جهت‌گیری مذهبی درونی ارتباط مثبت با کانون کنترل دارد. در نتیجه وقتی فرد خود را مسئول آنچه رخ داده است بداند در جهت رفع آن رخداد تلاش می‌کند، اما جهت‌گیری مذهبی بیرونی با کانون کنترل درونی، مسئولیت‌پذیری و عزت نفس ارتباط معکوس دارد.

براساس نتایج پژوهش بین بازتمرکز مثبت و باورهای مذهبی رابطه وجود ندارد. این یافته در جهت پژوهش‌هایی است که نشان داده است به طور کلی زنان بیشتر از مردان به تجارب عاطفی خود توجه نشان می‌دهند و بیشتر از آنان بر غم و ناراحتی خود متمرکز می‌شوند و

برای مقابله با آن از راهبردهای غیرانطباقی سود می‌جویند (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۴). بنابراین صرفنظر از نوع باورهای مذهبی فرد می‌توان نتیجه گرفت از آنجایی که جنسیت آزمودنی‌های پژوهش را دختران تشکیل داده بودند در موقع رویارویی با یک حادثه به دلیل برخورداری از عواطف بالا بیشتر به جنبه‌های منفی آن رخداد نگریسته و بر ناراحتی متمرکز می‌شوند، نمی‌توانند به جای تفکر درباره آن رخداد واقعی به مسائل خوشایند فکر کنند. بر اساس نتایج پژوهش بین باورهای مذهبی و باورهای مذهبی رابطه معکوس دیده شد. در مقابله مذهبی از منابع مذهبی برای مقابله با رخدادها استفاده می‌شود و از آنجا که این نوع مقابله‌ها، هم منبع حمایت عاطفی و هم وسیله‌ای برای تفسیر مثبت حوادث زندگی هستند، می‌توانند مقابله‌های بعدی را تسهیل کنند (برقی و علیپور، ۱۳۸۸).

همانطور که قبلاً ذکر شد نمرات آزمودنی‌های پژوهش حاضر در باورهای مذهبی بیرونی بیشتر است، بنابراین رابطه‌ای معکوس بین باورهای مذهبی و باورهای مذهبی به دست آمده است. یعنی باورهای مذهبی با الحاق معانی مثبت به یک رخداد رابطه‌ای معکوس دارد. در این پژوهش بین دیدگاه‌پذیری و باورهای مذهبی رابطه منفی معنادار مشاهده شد. با توجه به نوع مذهب (درونی و بیرونی) می‌توان نقش مثبت‌تری را در ارتباط بین دیدگاه‌پذیری و مذهب تعریف نمود. بین افسردگی و مذهب درونی رابطه معکوس وجود دارد (بهرامی، ۱۳۸۴). از سوی دیگر مذهب درونی موجب امید شده و سبب می‌شود افراد با مسائل بهتر برخورد کنند (برقی و علیپور، ۱۳۸۸). دین راهنمایی‌ها و قواعد خاص اخلاقی را به منظور کنترل خویشتن برای امتناع از برخی رفتارها را در اختیار فرد قرار می‌دهد (اسمیت، ۲۰۰۳). همچنین کسانی که از نظر مذهبی در سطح بالاتری قرار دارند مسائل خود را با شیوه حل مسئله مرتفع می‌کنند (کروک، ۲۰۰۸). به دلیل این که پژوهش حاضر فقط در نمونه دختر انجام شد و تعمیم‌پذیری محدود می‌شود پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه با آزمودنی‌های هر دو جنس انجام شود.

منابع

- آزادی، مهران (۱۳۹۰). تنظیم هیجان و اختلال‌های اضطرابی. *روانشناسان تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۸، ۲۰۹-۲۰۷.
- برقی، زیبا؛ علیپور، احمد (۱۳۸۸). بررسی رابطه سلامت روان با باورهای مذهبی، منبع کنترل و خوش بینی استادان دانشگاه. *فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی*، ۱۳، ۱۴۸-۱۷۰.
- بهرامی، فاضل؛ رضانی فرانی، عباس (۱۳۸۴). نقش باورهای مذهبی درونی و بیرونی در سلامت روان و میزان افسردگی سالمندان. *فصلنامه توانبخشی*، ۶، ۴۷-۴۲.
- حسینی، جعفر؛ آزاد فلاح، پرویز؛ رسول زاده طباطبایی، کاظم؛ عشایی، حسن (۱۳۸۷). بررسی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان بر اساس ابعاد روان نژندی و برون گرایی. *مجله تازه های علوم شناختی*، ۱۰، ۱۳-۱.
- رجایی، علیرضا؛ بیاضی، محمد حسین؛ حبیبی پور، حمید (۱۳۸۸). باورهای مذهبی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۹، ۹۷-۱۰۷.
- رضوان، شیوا؛ بهرامی، فاطمه؛ عابدی، محمدرضا. تأثیر تنظیم هیجان بر شادکامی و نشخوار فکری دانشجویان. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، ۱۲، ۲۵۷-۲۵۱.
- زارع، حسین؛ امیرپور، برزو (۱۳۹۱). مقایسه راهبردهای شناختی تنظیم هیجان در دانش آموزان راست برتر و چپ برتر، جنسیت و ماه تولد. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج*، ۱۷، ۲۳۲-۲۲۵.
- صالحی، اعظم؛ باغان، ایران؛ بهرامی، فاطمه؛ احمدی، احمد (۱۳۹۰). رابطه بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و مشکلات هیجانی با توجه به عوامل فردی و خانوادگی. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۱، ۱۹-۱.
- صولتی، سید کمال؛ ربیعی، محمد؛ شریعتی، مریم (۱۳۹۰). رابطه بین جهت گیری مذهبی و سلامت روان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۵، ۴۸-۴۲.
- عباسی، روح الله؛ روشن چسلی، رسول (۱۳۸۸). بررسی رابطه باورهای مذهبی و هوش هیجانی در دانش آموزان دبیرستانی. *دوماهنامه علمی پژوهشی*، ۱۷، ۳۸-۳۱.
- قاسم زاده نساجی، سوگند؛ پیوسته گر، مهرانگیز؛ حسینیان، سیمین؛ موتابی، فرشته؛ بنی هاشمی، سارا (۱۳۸۸). اثربخشی مداخله شناختی- رفتاری بر پاسخ های مقابله ای و راهبردهای تنظیم شناختی هیجانات زنان. *مجله علوم رفتاری*، ۴، ۴۳-۳۵.
- گنجی، طاهره؛ حسینی، آغا فاطمه (۱۳۸۹). باورهای مذهبی دانشجویان پرستاری کارشناسی و ارتباط آن با میزان اضطراب آنان. *نشریه دانشکده پرستاری و مامایی*، ۲۳، ۴۴-۵۱.
- نامیان، سارا؛ حسینچاری، مسعود (۱۳۹۰). تبیین اهمال کاری تحصیلی دانشجویان بر اساس باورهای مذهبی و هسته کنترل. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۸، ۱۲۸-۹۹.
- نصیر زاده، راضیه؛ رسول زاده طباطبایی، کاظم (۱۳۸۸). بررسی رابطه باورهای مذهبی با راهبردهای مقابله با تنیدگی در دانشجویان. *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد*، ۱۵، ۴۵-۳۶.
- نصیر زاده، راضیه؛ شعیری، محمد رضا (۱۳۸۸). رابطه ادراک کودکان از خشونت والدین در فرزند پروری و باورهای مذهبی کودکان. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱، ۶۸-۵۷.
- نعمتی، بهاره (۱۳۹۰). *بررسی رابطه کمال گرایی و باورهای مذهبی در بین دانشجویان دانشگاه دولتی بجنورد*. پایان نامه کارشناسی منتشر نشده. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه بجنورد.
- یوسفی، فریده (۱۳۸۵). *بررسی رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با افسردگی و اضطراب در دانش آموزان مراکز راهنمایی استعدادهای درخشان*. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۸، ۸۹۲-۸۷۱.